

هر نوزاد یک رزمنده

اصل و شرح

پوشش سردار فرادین منظور طراحی شده که زوج‌های جوان «ایران و محور مقاومت» را به فرزندان‌شان به نیت «جایگزین کردن شهدا، فرماندهان و دانشمندان» شهیدشده به دست دشمن امریکایی-صهیونی دعوت کنیم تا بانی‌های بلند و تمدن‌ساز و طلب فرزندان‌ی با بهترین

ویژگی خوبان عالم، فرزندان‌ی متمایز را تقدیم آینده تمدن اسلامی و به ساختن نسل شایستگان دوران فتح و نصر و ظهور امام عصر (عج) اقدام کنند. هدف محوری این پوشش دعوت به فرزندان‌آوری و ارتقای نیت‌های فرزندان‌آوری و ایجاد خلوص، طلب و طهارت در زوجین برای داشتن نسلی ممتاز، شایسته و با استعداد‌های متمایز طلب‌شده توسط زوجین است.

سردار فرادا

درباره پوششی که پاسخ محکمی به نسل‌کشی آمریکا و اسرائیل در ایران و جبهه مقاومت است

جامعه امروز

«سردار فرادا» عنوان پوششی است که هدف از راه‌اندازی‌اش در کشور تربیت نسلی شجاع‌تر از نسل جاری در کشور است. شعارش هم این است که هر نوزاد، یک رزمنده، یک سردار آینده‌البته خود این پوشش قشما‌ی جالب و شنیدنی دارد. بچه‌های انقلابی که این پوشش را راه‌اندازی کرده‌اند بیش از یک دهه است که در حوزه جمعیت سابقه کار و خدمت دارند. البته آن روز‌هایی که این بچه‌های دانشگاه تهران دور هم جمع شدند و تلاش کردند برای دغدغه‌های جمعیتی‌شان در ایران کارهای علمی مؤثری انجام دهند، کسی گمان نمی‌کرد یک دهه بعد بحران جمعیتی همان شود که رهبر شهید بارها و بارها هشدارش را داده بود. این برویچه‌ها این سخن رهبری را آویزه گوش‌شان کردند و وقتی که فرموده بودند: «امروز اگر چنانچه برایش فکر نکنیم، ۵۰ سال دیگر دیر خواهد بود، پیشرفت را، یعنی جوان را به قدر کافی در اختیار نخواهد داشت. امروز باید به فکر فرادا بود» حرف و سخنی که آن را مبنای فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود کردند و توانستند در سایه آن مدرسه نسل توحیدی را شکل دهند. حالا همین نسل توحیدی‌ها در بچوبچه جنگ پوششی راه‌اندازی کرده‌اند به نام سردار فرادا؛ پوششی که در آن زوج‌های جوان را دعوت به فرزندآوری و در دوره طلایی بارداری آنها را همراهی می‌کند. محمدرضا اخوت، مسئول مدرسه نسل توحیدی و دبیر پوشش سردار فرادا در گفت‌وگو با خبرنگار همشهری درباره این پوشش برآیمان توضیح داده است.

پاسخ به نسل‌کشی دشمن

نسل توحیدی یک مجموعه مردمی در قالب یک گروه دانشجویی است که از ۱۲ سال پیش تا امروز با ورود به حوزه جمعیت حول محور کیفیت‌بخشی به نسل آینده مشغول به کار است. در جنگ اخیر وقتی دشمن مدرسه میناب را هدف قرار داد و ما شاهد تلاش دشمن برای نسل‌کشی در ایران بودیم، در بی‌این برآمدیم که به‌نوعی شایسته پاسخ این رفتار سخیانه دشمن را بدهیم، هم آن از زاویه فعالیت‌های تخصصی خودمان. بنابراین پوشش سردار فرادا را طراحی کردیم و در فضای مجازی و تجمعات شبانه مردمی از زوج‌های جوان دعوت کردیم برای ساختن نسلی قوی‌تر از نسل جاری و تربیت فرماندهان و سردارانی غیور و مسئولیت‌پذیر در آینده به پوشش ما ببیوندند. البته ما فراد را پوشش را بعد از ازیمین رهبری راه‌اندازی کنیم، اما وقتی اسرائیل به زایشگاه‌های لبنان حمله کرد و نسل‌کشی‌ها را در این کشور ادامه داد، تصمیم گرفتیم نه تنها پوشش را در ایران راه‌بندازیم، بلکه عزم‌مان قرامر بود این پوشش را بعد از ازیمین رهبری راه‌اندازی کنیم، ترجمه محتوای تولیدشده برای این پوشش را به زبان‌های عربی و اردو در دستور کار خود قرار دادیم.

آموزش در بستر فضای مجازی

جامعه هدف این پوشش هم زوج‌های جوان هستند و هم عامه مردم. البته از متخصصان و کادر درمان و همچنین فعالان و کنشگران جمعیت هم دعوت شده که در این پوشش بر گزار کنندگان را تنها نگذارند. آموزش‌هایی که در این پوشش به جامعه هدف ارائه می‌شود ترکیبی از آموزش‌های مجازی و وبینارهای موضوعی متنوع درباره آمادگی برای فرزندآوری و دوران طلایی بارداری است، البته در کنار این آموزش‌ها دوره‌های پیش‌فرض شده‌ای هم درباره سلامت معنوی، سلامت جسمی، طب ایرانی و کلاسیک و... در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. بخش دیگری از آموزش‌ها در فضای مراکز درمانی و با کمک کادر درمانی قرار است به جامعه هدف برسد. پوستریهایی که هر کدام حاوی آموزش‌های دوران بارداری تا شیردهی است و عمدتاً مستند به آموزه‌های دینی، علمی و معنوی هستند. اما فلج‌سومی که در این پوشش قرار است نقش آفرینی کنند کنشگران اجتماعی و داوطلبانی هستند که محتواهای موجود را در مراکز خود اعم از پایگاه‌ها، میدان‌ها و محل‌های اجتماعات شبانه مردم توزیع می‌کنند. در سایه همین فعالیت‌ها تا به حال بالغ بر ۷۰۰ خانواده در این پوشش ثبت‌نام کرده‌اند و بیش از ۵۰۰ خانواده وارد دوره‌های آموزشی آن شده‌اند.



تابه حال بالغ بر ۷۰۰ خانواده ثبت‌نام کرده‌اند و بیش از ۵۰۰ خانواده وارد دوره‌های آموزشی آن شده‌اند

تهران چهره جنگ‌زده نداشت

بسیار اینکه در طول جنگ تحمیلی سوم در تهران ۲۲ نقطه از سوی دشمنان هدف قرار گرفت، تاب‌آوری بالای مردم و صبوری آنها اجازه نداد پایتخت ایران چهره شش‌په‌ری جنگ‌زده به خود بگیرد. میثم افشار، دبیر کل جمعیت هلال‌احمر با بیان این مطلب در نشست خبری که در آستانه هفته هلال‌احمر برگزار شد به تشریح فعالیت‌های این جمعیت در جنگ ۴۰ روزه پرداخت.

هلال احمر در جنگ ۴۰ روزه چه کرد؟

- ۶۰۰۳ عملیات‌های امداد و نجات
- ۷۲۱۵ نجات افراد زنده از زیر آوار
- ۷۱۴۴ انتقال مجروحان به بیمارستان
- ۴۲۰۰ شهید
- تفحص شهدای جنگ تحمیلی سوم
- بیش از ۱۰۳۸۰ درمان سرپایی مجروحان
- ۱۷۱۱ عملیات امدادی توسط تیم آنتس
- هلال احمر چه خسارت‌هایی دید؟
- ۱۰ اهت
- ارزش ریالی خسارت
- حمله به ۵۶ مرکز هلال احمر در قالب پایگاه‌های امدادی
- ۴۹ مورد از تجهیزات لجستیک



آتش در فرودگاه

از همان روز اول که جنگ تحمیلی سوم شروع شد، خیلی‌ها در کنار غم هموطنانی که به شهادت می‌رسیدند، دشمنان با زیرساخت‌ها و امکاناتی بود که ایران با خون دل به‌دست آورده بود و

بازاری به رنگ وطن

گزارش میدانی از پاساژ معروف تهران که بعد از جنگ به مرکز فروش نمادهای ایران تبدیل شده است

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه نگار | باخورش زیاد شده و این را بیش از ۱۰۰ مغازه‌دار پاساژ «مهبستان» (که ساختمانش حدود ۳۰ سال پیش، ابتدای خیابان کارگر جنوبی و کمی پایین‌تر از میدان انقلاب اسلامی پنا شد)، می‌گویند؛ پاساژی که پیش‌تر، بورس انواع محصولات مذهبی بود و هر که از هر چه اسباب‌بازی‌گری

آیین‌ها و برپایی مجالس دینی می‌خواست، فراهم داشت. حالا اما پس از جنگ تحمیلی سوم به بورس پرچم ایران و بسیاری نمادهای ملی تبدیل شده است. مشتری‌های اقشار گوناگونند که بیش از ملحق شدن به تجمعات، سری به طبقات آن می‌زنند و پرچم ایران، سرپند جانم فدای ایران یا ستیاق سینه نقشه ایران را تهیه می‌کنند.

بازار شلوغ مهبستانی‌ها

روی تابلویی با پس‌زمینه سفید به خطی خوش نوشته‌اند: «پاساژ مهبستان» و تابلو را کوبانده‌اند سر در ساختمانی کهنه با پنجره‌هایی نامتقارن و نمایی دودانلود. پرچم‌های مذهبی و بیش‌تر پرچم ایران از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان و پیرترین ۲ مغازه است، آویزانند و مشتری‌هایی نیز در حال بررسی قیمت و جنس آن پرچم‌ها. از کمی بعد از شروع جنگ که خرید پرچم و باقی ملزومات راهپیمایی و تجمعات شبانه مرسوم شد، مشتریان از حدود ۱۰ صبح خود را به نشانی سر راست مهبستان می‌رسانند و تا ساعت ۲۲ پیش از پراننده شدن جمع کنندگان، در طبقات پاساژ در حال خریدند. این را داود می‌گوید که مغازه‌اش سمت چپ ورودی پاساژ، پر رفت و آمد است: «به نظرم کاسبایی این پاساژ، جزو اولین کاسبایی‌ها بود که وقتی جنگ شروع شد، بعد از یکی دو روز تعطیلی کرکه مغازه‌شون رو دادن بالا». بسته‌های ۱۰ تایی پرچم‌های رومیزی را می‌شمارد و دوباره بی‌حرفش را می‌گیرد: «استش چون مشتری عمده و خرد تماس می‌گرفتن برای خرید پرچم... روزی اول بیشتر درخواست پرچم اهتزاز داشتن؛ مدل افقی و معمولاً سایز ۷۰ در ۱۲۰...». امیررضا، مسئول فرهنگی یکی از مساجد قدیمی جنوب پایتخت و از مشتریان ثابت مغازه داود است: «از بچگی هر چی که برای هیئت و سفره‌های نذری لازم داشتیم می‌اومدیم همین‌جا...». حالا اما نه وقت محرم است و نه زمان سفراندازی... برای خرید پیکسل و مچ‌بندهایی با طرح پرچم ایران آمده: «پول جمع کردیم تا به تعداد بچه‌های مسجد که هر شنبه میدون‌داری می‌کنن به چیزی به رنگ‌ونشون ایران تهیه کنیم...» کمی بعد، سرگرم انتخاب می‌شود؛ مچ‌بندهای کسبافت و گرهی و سوزنی‌ها را ۸ تا ۱۰ هزار تومان و سرپندهای ساتن از ۱۰ تا ۵۰ هزار تومان. داود به پهنانه بازار گرمی یادآور می‌شود که مچ‌بندها، تولیدی خودشان است و این یعنی پای دلال در میان نیست.

در میدان با پرچم و سرپند

سمت راست ورودی پاساژ، شلوغ‌تر از سمت چپ آن است. مشتری‌ها مقابل پیشخوان مغازه بزرگی ایستاده‌اند و هادی صاحب مغازه را سؤال پیچ می‌کنند: «جاکلیدی‌های طرح ایران چند؟»، «ببخشید، چند سینه (ستیاق سینه) مدل نقشه ایران دارید؟»، «آقا، این کلاه هوادارای ایران چند؟» و «تعداد بارداریم، تخفیف می‌دید؟». هادی، صبورا است که سر حوصله پاسخ همه را می‌دهد: «جاکلیدی پلاستیکی و چوبی و فلزی از ۲۰ تا ۹۰ هزار تومن دارم»، «بج سینه هم، آینه‌ای و برنجی دارم از ۲۵ تا ۵۰ هزار تومن»، «کلاه هواداری ایران جنس خوب و سبک ۲۰۰ هزار تومن» و «اصلاً شلما پول نده، مهمون ما باش...». این روزها کمتر فرصت سر خرااندن دارد؛ یک دست‌به‌گوشی تلفن همراه است و سفارش‌های پرچم و پرچم و پیکسل به تولید کنندگان می‌دهد و یک دست‌به‌گوشی کارت‌خوان و کارت بانکی مشتریان: «توی شرایط جنگی و رکود، کسی انتظار نداره کاسبی خوب باشه... ولی می‌بینید که صدقه سسر طرفداری از ایران، بازار ما از رونق نیفتاده، تازه سفارشات بیشتر هم شده...». به گفته هادی و بسیاری از مغازه‌داران پاساژ، در دوره جنگ تحمیلی سوم، پرچم، مچ‌بندهای زینتی (رنگ پرچم) و ستیاق‌های سینه به ترتیب بیش‌ترین میزان فروش را داشته و مشتری‌باشان، اغلب افرادی از انجمن‌های فرهنگی، گروه‌های جهادی و مساجد بوده و هستند.

قیمت مقطوع برای ایران

تعدادی از مشتری‌بان با این امید که در مغازه‌های طبقه دوم پاساژ، اجناس جور‌تر و قیمت‌ها کمتر است از پله‌های پارک میان راهرو بالای روند. چند کارگر، انتهای نخستین مغازه این طبقه، مشغول جابه‌جایی بسته‌های تازه رسیده پرچم از شهرستان خمین هستند. سهیل یکی از چند کارگر با گوشه‌خفیه‌ای که دور گردنش بیچانده، عرق پیشانی‌اش را می‌گیرد: «حاجی، کلید انبار رو می‌دی، میله و چوب پرچم رو بیارم؟» و «حاج اسماعیل (صاحب مغازه) که دور تر ایستاده، دسته کلید را با نشانه‌گیری دقیق، به سوی سهیل پرت می‌کند: «بس به‌دفعه، فرقه گلاسه‌های پرچمی رو هم بیار». گوش‌حدیث (مشتری) با شنیدن فرقه گلاسه پرچمی، تیز می‌شود: «فرقه رو بچمی چیه حاج آقا؟ از همین فرقه‌های اسباب‌بازی‌طوره؟» کمی بعد، حدیث که مربی باشگاه ورزشی کودکان است با ۸۰ فرقه کاغذ گلاسه‌ای به رنگ پرچم ایران از مغازه خارج می‌شود. آرمان از قیمت مقطوع عینک‌های هواداری ایران به مشتری می‌گوید: «خدا و کیلی با سود کم دارم می‌فروشم؛ اونم فقط به خاطر ایران...». مشتری اما چانه گرمی برای تخفیف گرفتن دارد: «شاید سود کم باشه ولی فروشت خوبه». آرمان که بر قیمت مقطوع با فشاری دار درو به سوی مشتری دیگری می‌چرخاند؛ مشتری، خواهان پرچم سامورایی (عمودی) ایران است.



مکت

نذر پرچم



غروب که می‌شود انگار نوع مشتری‌ها هم تغییر می‌کند. در این وقت، معمولاً مشتری‌هایی سراسر طبقات پاساژ مهبستان درمی‌آورند که وسط جمعیت تجمع کنندگانی که حوالی میدان انقلاب، میدان‌داری می‌کنند، چشمانشان خورده به سرپند، ستیاق سینه یا هر وسیله نمادین دیگر و بعد، پسران پسران خود را رسانده‌اند به آدرسی که صاحب آن سرپند و ستیاق سینه داده‌است.

جلال از مغازه‌داران پاساژ، از مشتریان متفاوت دیگری هم می‌گوید: «وقتی غروب، گاهی یسه عده میان و تعدادی پرچم می‌خرن... سر حرف رو که باهاشون باز می‌کنیم، متوجه می‌شیم اونا نذر پرچم دارن... از ۵۰ تا ۱۰۰ پرچم به نیت پیروزی ایران می‌خرن و می‌برن بین تجمع کنندگان بخش می‌کنن...». جلال به این دسته از مشتریان متفاوت، تخفیف خوبی می‌دهد و پا آن دسته از مشتری‌ها که خریدار پرچم‌های رولی یا آب‌پرچم هستند نیز از آن‌تر حساب و کتاب می‌کند.

